


Dana R. Hermanson 

لوزی تقلب

زهرا نوری 

یک بازنگری پیست ساله

نزدیک به ۲۰ سال از زمانی که نویسندگان فرضیه **لوزی تقلب**^۱ را در صفحات مجله معرفی کردند می‌گذرد و این فرضیه نسخه بسط‌یافته جدیدی از **مثلث تقلب**^۲ مرسوم است که تاکید بیشتری بر ویژگیهای شخصی فرد مرتکب به تقلب دارد. به مناسبت سالگرد این فرضیه، نویسندگان آن، تحلیلی گذشته‌نگر بر مدل تغییر الگوی خود ارائه دادند. آن‌ها به اثر این فرضیه بر حرفه، صنعت و پژوهش پرداختند. آن‌ها با نگاهی رو به آینده، در مورد استفاده فعالانه از این فرضیه، به‌دنبال مزایا و معایب افراد بسیار توانمند و موارد مفقود در این مدل هستند.

در دسامبر ۲۰۰۴، مقاله "لوزی تقلب: توجه به چهار ویژگی تقلب" در **مجله حسابدار رسمی** (CPA Journal) منتشر شد. در این مقاله، فرضیه لوزی تقلب به‌عنوان بسط فرضیه مثلث تقلب مرسوم که از سه ویژگی انگیزه، فرصت و توجیه‌سازی تشکیل شده بود، برای گنجانیدن تعداد بیشتری از ویژگیهای فرد مرتکب به تقلب در مدل ارائه شد. لوزی تقلب به‌طور خاص، یک ویژگی چهارم یعنی توانایی فرد مرتکب تقلب در به‌دست آوردن ویژگیهای الزامی برای سازماندهی یک تقلب همانند "موقعیت یا حرفه، هوش، خودبربینی یا غرور، مهارتهای تحمیلی، دروغگویی مصلحتی و مصونیت در برابر استرس" را دربر می‌گیرد. **شکل ۱** لوزی تقلب طبق مقاله سال ۲۰۰۴ ولف و هرمانسون را نشان می‌دهد.

آنچه که در فرضیه لوزی قلب اضافه شده است

فرضیه لوزی قلب براساس تجربه‌های وُلف به‌عنوان پژوهشگر قلب و مشاهده او مبنی بر این‌که قلب یک «مشکل مردمی» است ارائه شد، با این وجود، در مدل قلب مرسوم توجه زیادی به فرد مرتکب‌شونده نشده بود. در عوض، مثلث قلب مرسوم، علایم قلب را به درجه‌ای فراتر از فرد مرتکب‌شونده ارجاع می‌دهد. به‌عنوان نمونه، انگیزه در درجه اول بر فشارهایی که مرتکب احتمالی با آن مواجه است، یعنی محیطی که فرد در آن فعالیت می‌کند، تمرکز دارد. به‌همین ترتیب، فرصت، نیروی کنترل‌های داخلی و کنترل‌های ضد قلب را در سازمان هدف بازتاب می‌دهد و بار دیگر موقعیت و نه شخص را مورد توجه قرار می‌دهد.

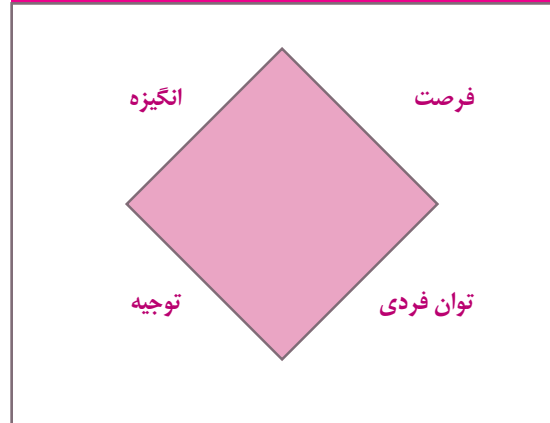
تنها مولفه توجیه عقلانی در فرضیه مثلث قلب تا حد زیادی بر فرد مرتکب احتمالی تمرکز و جریان فکر و توانایی او برای توجیه اقدام‌های انجام‌شده را بررسی می‌کند. (ناتالیا مینچیک (Natalia Mintchik) و جنیفر رایلی (Jennifer Riley) «توجیه عقلانی قلب: چگونه فکرکردن مانند یک فرد متقلب می‌تواند به جلوگیری از قلب کمک کند». مجله CPA، ۲۰۱۹، جلد ۸۹، شماره ۳، صفحات ۴۴-۵۰).

با این حال، توجیه عقلانی دو محدودیت کلیدی دارد. اول این‌که، توجیه عقلانی بی‌تردید، تنها یکی از بسیار ویژگی فردی احتمالی مورد نیاز برای ارتکاب قلب است. توجیه عقلانی، مهارت‌های مورد نیاز برای شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های قلب را بازتاب نمی‌کند. دوم، حساب‌رسان و سایر موسسات حسابرسی بیشتر با نحوه ارزیابی و توجیه عقلانی یک فرد که این ویژگی به‌راحتی قابل مشاهده نیست، مشکل دارند. در نتیجه، مفهوم توجیه عقلانی باگذشت زمان گسترش پیدا کرد و به عقلانیت و نگرش تبدیل شد. تصور بر این است که برخی از نگرش‌ها در مورد حسابداری یا حساب‌رسان شاید نشان‌دهنده احتمال بیشتر توجیه عقلانی در قلب باشد.

برای نمونه، اگر مدیریت نگرانی‌های مربوط به کنترل‌های داخلی یا کیفیت حسابداری را نادیده بگیرد، این امر می‌تواند نشانه‌ای از توانایی توجیه عقلانی گزارشگری متقلبانانه باشد.

مولفه‌ای که فرضیه لوزی قلب به مثلث قلب مرسوم اضافه کرده، توانایی است: ویژگی‌ها و توانایی‌های شخصی که

شکل ۱- لوزی قلب



بنابراین مطابق با این تصور وُلف (Wolfe) «علت شماره یک قلب، افراد هستند. این فرضیه بیشتر افراد را دربر می‌گیرد. تمرکز این فرضیه بر افراد هم با تاکید سایر محققان بر عوامل انسانی و روانشناسی قلب و همچنین بر روانشناسی رفتاری مطابقت دارد و تمرکز بر آن نه‌تنها نحوه وقوع قلب، بلکه چرایی آن را نیز دربر می‌گیرد.

این فرضیه با تمرکز بر توانایی فرد مرتکب، به نسخه بسط‌یافته فرضیه مشهور مثلث قلب تبدیل شده است و پژوهش‌های بیشتری را در مورد عناصر تشکیل دهنده قلب برمی‌انگیزاند.

در این مقاله، به بررسی ۲۰ سال گذشته پس از پیشنهاد فرضیه لوزی قلب برای ارزیابی تاثیر آن بر حرفه، صنعت و پژوهش پرداخته می‌شود. در این گزارش، به بهترین وجه به بررسی ۲۰ سال گذشته از زمان معرفی این فرضیه در مجله حسابدار رسمی پرداخته شده است؛ مجله‌ای که برای اولین بار این فرضیه را معرفی کرد.

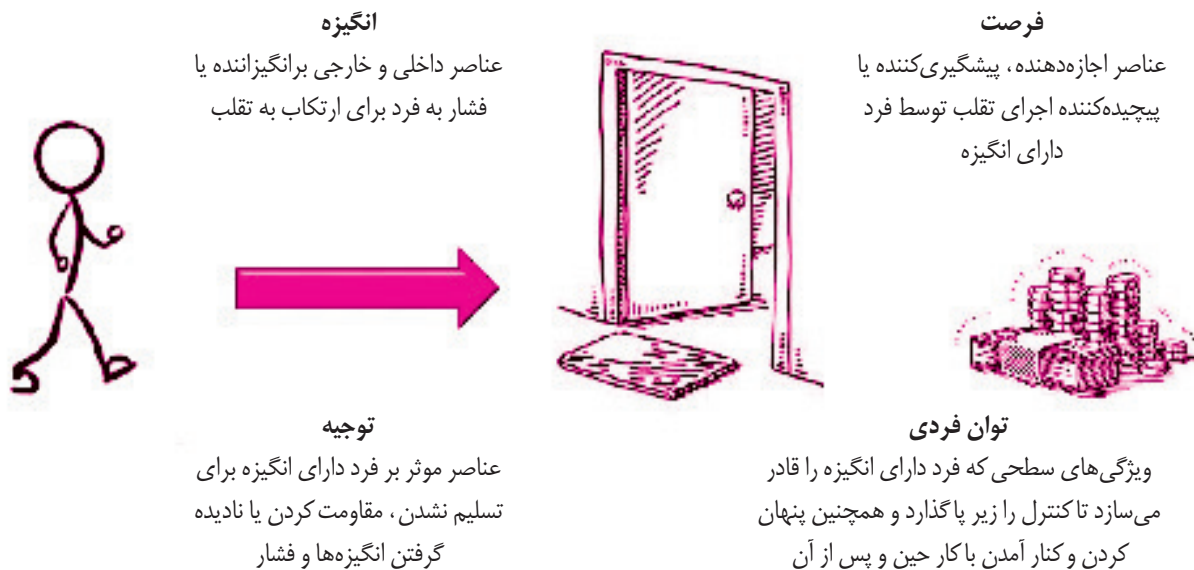
امروزه قلب همچنان به‌عنوان یک چالش اجتماعی بزرگ باقیمانده است؛ زیرا عناوین اخبار موارد قلب بزرگ و پیچیده، همانند موارد اتفاق افتاده در صرافی اف‌تی‌ایکس (FTX) و شرکت خصوصی ترانوس (Theranos) و نیز میلیاردها دلار قلب در برنامه‌های امدادی کووید ۱۹ (COVID-19) را نشان می‌دهند. در این محیط، حرفه باید برای درک بهتر و کاهش قلب به کار خود ادامه دهد.

به فرد مرتکب اجازه می‌دهد فرصتهای تقلب را بشناسد و از آن بهره‌برداری کند، حتی زمانی که دیگر عناصر تقلب در فرد وجود دارند. شش ویژگی بیان شده از تجربه‌ها و مشاهده‌های ما از مرتکبان تقلبهای پیچیده به‌دست آمد. به‌نظر می‌آید که این تقلبها بدون داشتن همه یا بیشتر این ویژگیها از سوی فرد مرتکب رخ نمی‌داد. فرد مرتکب باید موقعیتی داشته باشد یا در سمت مناسبی باشد تا بتواند به‌طور رسمی دسترسی و نفوذ در سازمان داشته و باید به اندازه کافی باهوش باشد که فرصتهای تقلب را شناسایی و از آنها استفاده کند. فرد متقلب باید خودبتریبینی و غرور لازم برای تداوم در تقلب را داشته باشد. متقلبان بیشتر نیاز دارند که بتوانند دیگران را وادار به مشارکت یا ساده‌سازی در راستای تقلب کنند و باید دروغ‌تایرگذار و محکم بگویند. در نهایت، آنها به سطح مشخصی از مصونیت در برابر استرس نیاز دارند، زیرا ارتکاب تقلب در طول زمان استرس مدیریت تقلب و همچنین استرس کشف و مجازات احتمالی را به‌همراه دارد. در نبود «شخص مناسب» که دارای ویژگیهای مناسب باشد، احتمال دارد که فرصتهای مناسب برای تقلب به نتیجه نرسند؛ با وجود آن‌که انگیزه، فرصت و توجیه عقلانی

برای انجام آن وجود داشته باشد. این موضوع به‌ویژه در مورد تقلبهای پیچیده‌تر صدق می‌کند. انگیزه فردی، شخص را به سمت تقلب سوق می‌دهد. اگر فرد بتواند این اقدام را توجیه عقلانی کند، جذابیت بیشتری ایجاد می‌کند. اگر فرد نتواند کارش را توجیه کند، این به‌عنوان فشار اهرم دورکننده تقلب عمل می‌کند. فرصت برای تقلب احتمالی و همچنین عوامل پیچیده یا پیشگیری‌کننده احتمالی مهیا است. توانایی، ویژگی شخصی است که به فرد اجازه می‌دهد تا کنترلها را دور زده و تقلب را مخفی کرده و با این اقدام زندگی کند. وُلف این تصویر را در انتقال توجیه عقلانی فرضیه لوزی تقلب به دیگران بسیار سودمند می‌داند. ولف تصویر گرافیکی مطابق با شکل ۲ را برای تشریح لوزی تقلب در عمل توسعه داد.

به‌طور کلی، آنچه که به لوزی تقلب اضافه می‌شود، توانایی، ویژگیهای شخصی و تواناییهای موردنیاز برای شناسایی و بهره‌برداری از فرصتهای تقلب، به‌ویژه فرصتهای پیچیده‌تر است. به‌این ترتیب، لوزی تقلب، فرد را بیشتر وارد مدل تقلب می‌کند و توجه بیشتری را به سمت فرد و نه تنها به محیط معطوف می‌کند.

شکل ۲- مدل چگونه کار می‌کند؟



ظهور فناوریهای جدید که می‌تواند ریسک تقلب ایجاد کند، معطوف کرد. ریسک تقلب بیشتر مستلزم کنترل و نظارت قویتر است. افزون بر این، وولف واحدهای حسابرسی قانونی بیشتری را مشاهده کرد که فرضیه لوزی تقلب را در ارزیابیها و بازرسیهای ادعای تقلب خود در حرفه گنجانده‌اند. افزون بر این، **هرمانسون** (Hermanson) لوزی تقلب و دیدگاههای مربوط به آن را به ناظران حسابرسی ارائه کرده است و دیدگاه دقیقی را در مورد این که فرضیه لوزی تقلب و مولفه توانایی چگونه می‌تواند برای حسابرسان سودمند باشد، ارائه کرده است. این فرضیه در دوره‌های مختلف حسابداری دانشگاهی و در ارائه به گروه‌های حرفه‌ای استفاده می‌شود. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد که پیام اصلی فرضیه، اهمیت توانایی و افراد در مدیریت ریسک تقلب باشد.

تأثیر تئوری بر پژوهش

فرضیه لوزی تقلب اثر در خور توجهی بر پژوهشهای حسابداری

با این وجود، افراد قصد و عمل را به یک سناریوی تقلب می‌آورند. اگر افراد توانایی انجام تقلب را نداشته باشند، شاید تقلب اتفاق نیفتد یا اگر اتفاق افتاد، فوری کشف شود.

همچنین، حایز اهمیت است که برخی از شباهتها بین جنبه‌های خاصی از توانایی و تیپهای شخصیتی «سه‌گانه تاریک» که ریسک تقلب را افزایش می‌دهند، پررنگ شوند. خودشیفتگی و خود برتری یا غرور همانند ماکیاولیسم و مهارتهای تحمیلی، با هم مرتبط هستند. روان‌پزشکی تا حدودی با اجتناب از استرس ناشی از ارتکاب به تقلب ارتباط دارد. افزون بر این، پژوهش شواهدی پیدا می‌کند که نشان می‌دهد شرکت‌هایی که برای مدیریت درآمد با فشار مواجه هستند، شاید افرادی با شخصیتی تیره را در پستهای ارشدتر حسابداری استخدام می‌کنند.

تأثیر بر حرفه و صنعت

فرضیه لوزی تقلب در ۲۰ سال گذشته به‌طور گسترده در جامعه حرفه‌ای شناخته شده است. جستجوی «لوزی تقلب» در گوگل ده‌ها هزار بازدید را به همراه دارد، از جمله در مطالب چهار موسسه برتر و سایر موسسات حسابرسی و دوره‌های آموزش حرفه‌ای مستمر و در میان سایر مطالب ظاهر می‌شود. با نگاهی به گذشته، به نظر می‌رسد که فرضیه لوزی تقلب مطلوب و حتی برای بهبود مثلث تقلب ضرورت دارد. به‌عنوان نمونه، **کی‌پی‌ام‌جی** (KPMG) در زمینه فعالیت حرفه‌ای با استفاده از فرضیه لوزی تقلب، ریسکهای تقلب را در فضای محیطی، اجتماعی و راهبری (ESG) پررنگ کرد. این موسسه بر ریسکهای ایجاد شده از سوی کارکنان متخصص در فضای محیطی، اجتماعی و راهبری و همچنین ریسکهای مربوط به سایر عناصر توانایی تاکید کرد. **بی‌دی‌اُ** (BDO) در مورد مسئولیتهای کمیته حسابرسی برای نظارت بر ریسک تقلب با استفاده از فرضیه لوزی تقلب بحث می‌کند. بی‌دی‌اُ ویژگی توانایی را برای تاکید بر نیاز کمیته‌های حسابرسی در راستای نظارت بر ریسکهای تقلب در ارتباط با توانایی پررنگ کرد. **ویندهام برانون** (Windham Brannon) نحوه استفاده از فرضیه لوزی تقلب در پیشگیری و کشف تقلب را مورد بحث قرار می‌دهد. این موسسه توجه خود را به ویژگی توانایی و

اگر مدیریت نگرانیهای

مربوط به

کنترل‌های داخلی یا

کیفیت حسابداری را نادیده بگیرد

این امر می‌تواند نشانه‌ای از

توانایی توجیه عقلانی گزارشگری

متقابلانه باشد

داشته است. به گفته موتور جستجوی گوگل اسکولار (Google Scholar)، مقاله منتشر شده در مجله حسابداری رسمی در سال ۲۰۰۴ بیش از ۲۵۰۰ بار مورد استناد قرار گرفته است.

بسیاری از پژوهشگران، جنبه‌هایی از این فرضیه را مورد بررسی قرار داده‌اند. در اینجا به چند مورد از یافته‌های انتخاب شده پرداخته خواهد شد. مورد اول، **داگلاسی بویل** (Douglas Boyle) **تاد دزورت** (Todd DeZoort) و **دانا هرمانسون** (Dana Hermanson) ("آثار استفاده از مدل تقلب جایگزین قضاوت‌های ریسک تقلب حسابرسان"، مجله حسابداری و رویه عمومی، ۲۰۱۵، جلد ۳۴، شماره ۶، صفحات ۵۹۶-۵۷۸) آزمونی را با حسابرسان با استفاده از رویه **کمکی** لوزی تقلب یا رویه **کمکی** مثلث تقلب برای ارزیابی ریسک تقلب در مشتری فرضی انجام دادند. آن‌ها دریافتند که حسابرسان هنگام استفاده از فرضیه لوزی تقلب به جای مثلث تقلب، ریسک تقلب را ۱۷ درصد بیشتر ارزیابی کردند. این نتیجه نشان می‌دهد که "مدل تقلب اهمیت دارد" و تمرکز ویژه حسابرسان بر توانایی مدیریت منجر به ارزیابی بالاتر ریسک تقلب می‌شود. افزون بر این، نویسندگان شواهدی یافتند که نشان می‌دهد مفهوم فرضیه لوزی تقلب نیز می‌تواند به شکل سه‌وجهی بازتاب شود که از انگیزه، فرصت و توانایی (که شامل توجیه عقلانی می‌شود) تشکیل شده است. نویسندگان این مدل جدید را مثلث تقلب ارتقایافته نامیدند.

دوم، **باربارا آرل** (Barbara Arel) **مایکل توماس** (Michael Tomas) و **لری استارک** (Larry Stark) ("آثار معیارهای توانایی لوزی تقلب بر وقوع تقلب" مجله پژوهش‌های حسابداری قانونی، ۲۰۲۳، جلد ۸، شماره ۱، صفحات ۱۹-۱) عناصر لوزی تقلب با احتمال تقلب را بررسی کردند. نویسندگان شواهدی یافتند که هوش و خودبرتری بی‌غرور با احتمال وقوع تقلب رابطه مثبتی دارد، در حالی که توانایی مدیریت با استرس رابطه منفی با تقلب دارد. همچنین دریافتند که استفاده از ویژگی توانایی به افزایش دقت پیش‌بینی تقلب کمک می‌کند. نویسندگان به این نتیجه رسیدند که تحلیل ریسک تقلب در یک سازمان باید ارزیابی توانایی‌های کارکنان و مدیریت را که در مدل لوزی تقلب پیشنهاد شده است

را دربرگیرد (ص. ۱۷).

سوم، مطالعات دیگر به شواهدی مبنی بر ارتباط بین توانایی و ریسک بیشتر تقلب یا تحریف دست یافتند. به‌عنوان نمونه، **آن آلبرشت** (Anne Albrecht) **الین مولدین** (Elaine Mauldin) و **ناتان نیوتن** (Nathan Newton) ("حسابرسان جنبه تاریک احتمالی شایستگی حسابداری مدیران اجرایی را تشخیص می‌دهند یا خیر" بررسی حسابداری، ۲۰۱۸، جلد ۹۳، شماره ۶، صفحات ۲۸-۱) دریافتند که شایستگی مدیران اجرایی حسابداری رابطه متقابلی با انگیزه‌های جبران خسارت دارد که موجب افزایش ریسک تحریف در زمانی که مدیران متخصص حسابداری انگیزه‌های قویتری برای تحریف صورتهای مالی دارند، می‌شود. بنابراین، شایستگی بیشتر در حسابداری می‌تواند بازتاب‌دهنده ریسک تقلب بیشتر باشد. به‌همین ترتیب، **فردیناند گل** (Ferdinand Gul) **مهدی خدمتی** (Mehdi

مولفه‌ای که فرضیه

لوزی تقلب به مثلث تقلب

مرسوم اضافه کرده

توانایی است

ویژگیها و تواناییهای شخصی که

به فرد مرتکب اجازه می‌دهد

فرصتهای تقلب را بشناسد و

از آن بهره‌برداری کند

استفاده پیشگیرانه از تئوری لوزی تقلب

مؤسسات حسابداری و دیگران چگونه می‌توانند از لوزی تقلب به‌طور پیشگیرانه برای جلوگیری یا کشف تقلب استفاده کنند؛ برخلاف این‌که از این مدل در بازبینیها برای توضیح تقلبهای گذشته استفاده می‌شد.

در مقاله ۲۰۰۴ خود، خوانندگان را تشویق کردیم که سه مرحله کلیدی را برای مقابله با توانایی دنبال کنند. به‌عبارت دیگر، افراد را خوب بشناسند. دوم، اگر نگرانیهایی در مورد توانایی وجود دارد، مطابق با آن پاسخ دهند. این موضوع می‌تواند ارتقای کنترلها یا چرخش وظایف، از جمله اقدامهای دیگر را دربرگیرد. سوم، تواناییهای مدیران ارشد و کارکنان کلیدی را دوباره ارزیابی کنند. ارزیابی تواناییها نباید «یکبار انجام شود». امروزه، دو دیدگاه اضافی در مورد استفاده پیشگیرانه از لوزی تقلب ارائه می‌شود.

ابتدا، استفاده‌کنندگان از تئوری لوزی تقلب را سوق می‌دهیم تا به اثر متقابل توانایی و سایر اجزای مدل توجه ویژه‌ای داشته باشند. به‌عنوان نمونه، افراد بسیار توانمند می‌توانند فرصتهایی برای تقلب ایجاد کنند که در دسترس دیگران نیست. مهارتهای تخصصی می‌توانند درهای تقلب را در موقعیتهای غیرمنتظره باز کنند. افزون بر این، افراد بسیار توانمند می‌توانند انگیزه‌ها، فشارها یا توجیه‌هایی را به شیوه‌هایی ایجاد کنند که بیشتر مردم نمی‌توانند. نکته کلیدی در اینجا این است که توانایی را به‌صورت مجزا نبینیم، بلکه ارزیابی کنیم که افراد توانمند چگونه می‌توانند به فرصت، انگیزه یا فشار بیشتر یا حتی توجیه عقلانی بیش از حد انتظار برسند.

دوم، همانطور که در بالا ذکر شد، ارزیابی توانایی مستلزم شناخت و تعامل با افراد است. اگرچه افزایش کار از راه دور مزایای بسیاری را به‌همراه دارد، اما ریسک آشکار جدیدی ایجاد می‌کند؛ زیرا شناخت و ارزیابی کامل افراد از راه دور دشوار است. اصل موضوع تقلب یک مشکل انسانی است و کار از راه دور ممکن است که توانایی افراد را برای درک کامل و ارزیابی سایر افراد کاهش دهد.

آیا کار از راه دور امکان استفاده از ارزیابیهای توانایی را در جهت کاهش ریسک تقلب کاهش می‌دهد؟ نکته‌های مورد توجه در زمینه آثار کار از راه دور بر ریسک تقلب و امکان

(Khedmati ادوین لیم (Edwin Lim) و فرشید نویسی (Farshid Navissi) «توانایی مدیریت، درماندگی مالی و حق الزحمه حسابرسی»، افق حسابداری، ۲۰۱۸، ش ۳۲، شماره ۱، صفحات ۲۹-۵۱) دریافتند که کیفیت گزارشگری مالی زمانی که مدیران توانایی بیشتری برای ارتکاب به تقلب داشته باشند، کاهش می‌یابد؛ با وجود آن‌که شرکت در مضیقه مالی باشد. همچنین، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد توانایی مدیریت تحت شرایط خاصی یک عامل ریسک است. نویسندگان به این نتیجه رسیدند که نتایج آن‌ها از فرضیه لوزی تقلب حمایت می‌کند (ص ۳۰).

در نهایت، پژوهشگران این تئوری را در موقعیتهای دیگری مانند تقلب برخط مصرف‌کننده (اندرو هریسون (Andrew Harrison) و ویلیام دیالا (William Dilla) و برایان منک (Brian Mennecke) «روابط در لوزی تقلب: فرایندهای تصمیم‌گیری که بر مقاصد متقابلانه در تقلب برخط مصرف‌کننده تاثیر می‌گذارد») تقلب دانشجویان (کنت اسمیت (Kenneth Smith) دیوید امرسون (David Emerson) و شاون مولدین (Shawn Mauldin)، «تقلب برخط در تقاطع سه‌گانه تاریک و لوزی تقلب»، مجله آموزش حسابداری، ۲۰۲۱، جلد ۵۷، شماره ۱۰۰۷۵۳) و تحلیل موارد مختلف تقلب اعمال کردند. لوزی تقلب، همچنین کانون بسیاری از مطالعات پژوهشی بین‌المللی بوده است.

به‌طور کلی، مطالعات بعدی در مورد ویژگی توانایی در فرضیه و همچنین پیشرفت‌ها و توسعه‌های مدل پیشنهادشده انجام شده است. آثار پژوهشی این فرضیه با درک بیشتر جنبه‌های رفتاری تقلب (روانشناسی تقلب) و ماهیت آن به‌عنوان فریب انسان به انسان سازگاری دارد (راموتی و همکاران، ۲۰۱۳). این فرضیه در کمک به پژوهشگران برای درک علت وقوع تقلب و تحلیل موارد خاص آن سودمند است.

بازتابهایی در مورد استفاده از فرضیه لوزی تقلب

امروزه، ۲۰ سال پس از معرفی لوزی تقلب، سه موضوع وجود دارد که به اعتقاد ما نیازمند توجه بیشتر است: استفاده فعالانه از فرضیه لوزی تقلب، مزایا و معایب افراد بسیار توانمند و آنچه که در فرضیه لوزی تقلب وجود ندارد.

ارزیابی توانایی را ترغیب می‌کند. همچنین، پژوهش در مورد آثار کار از راه دور بر فرصتها و توجیه عقلانی را تشویق می‌کنیم.

مزایا و معایب افراد بسیار توانمند

توجه به این نکته ضروری است که توانایی به‌خودی خود بد نیست. در عوض، افراد توانمند دارای مزایا و معایبی هستند. یک آگهی استخدام برای یک مدیر اجرایی در یک شرکت در حال رشد شاید تغییرهای بسیاری از عناصر توانایی شناسایی شده در لوزی قلب را دربرگیرد.

نکته این است که توانایی به‌ذات بد نیست. توانایی بسیار مطلوب است، اما ریسک‌هایی را نیز ایجاد می‌کند که باید در نظر گرفته شود. کارمندان توانمند می‌توانند دستاوردهای بزرگی برای سازمان داشته باشند، اما امکان دارد که کارهای پلیدی نیز انجام دهند که بیشتر کارمندان نمی‌توانند. توانایی یک شمشیر دولبه است و باید به‌خوبی مزایا و معایب کارمندان بسیار توانمند در نظر گرفته شود.

چه ویژگی در لوزی قلب کم است؟

چه ویژگی در مدل لوزی قلب کم است؟ به‌ویژه، در مواردی که هر چهار ویژگی لوزی قلب وجود دارند، اما چطور می‌شود که قلب رخ نمی‌دهد؟

شفالی سالوجا (Shefali Saluja) آرون آگاروال

(Arun Aggarwal) و آمیت میتال (Amit Mittal) ("درک نظریه‌های قلب و پیشرفت با مدل یکپارچه"، مجله جرایم مالی، ۲۰۲۲، جلد ۲۹، شماره ۴، صفحات ۱۳۱۸-۱۳۲۸) استدلال آوردند که لوزی قلب و بسیاری از مدل‌های مرتبط یک ویژگی مهم "درستکاری" را ندارند. درستکاری فردی جزئی از مقیاس قلب است (استیو آلبرشت - Steve Al- (Mar-brecht) کیت هاو (Keith Howe) و مارشال رامنی (Mar-shall Romney) "بازدارندگی از قلب: دیدگاه حسابرسان داخلی"، ۱۹۸۴، موسسه پژوهشی حسابرسان داخلی)، اما جزئی از مثلث قلب مرسوم یا لوزی قلب نیست. به‌روشی مشابه، اولوکایود سورونکه (Olukayode Sorunke) ("اخلاق فردی و انگیزه کلاهبردار: حلقه گمشده در مثلث قلب و نظریه‌های لوزی قلب"، مجله بین‌المللی پژوهش‌های دانشگاهی در علوم تجارت و اجتماعی ۲۰۱۶، جلد ۶، شماره ۲، صفحات ۱۶۵-۱۵۹) افزودن «اخلاق شخصی» به لوزی قلب را برای ایجاد مدل قلب پنج‌وجهی پیشنهاد می‌کند.

تلاشها در راستای تقویت مدل لوزی قلب را تشویق می‌کنیم و معتقدیم که یک ویژگی درستکاری یا اخلاقی کاندیدای بسیار امیدوارکننده‌ای است.

برخی ممکن است استدلال کنند که دستکاری بخشی از ویژگی توجیه عقلانی یک فرد است. به‌طوری که افراد دارای صداقت بیشتر یا اخلاق مندر به‌سادگی نمی‌توانند قلب را به‌طور کامل توجیه کنند. برخی دیگر ادعا می‌کنند که مدل‌های قلب باید گسترش یابد تا یکپارچگی را به‌عنوان یک ویژگی جداگانه در برگیرد.

امید به آینده

دو امیدواری مهم نسبت به آینده فرضیه لوزی قلب و ویژگی توانایی وجود دارد. اول این که امیدواریم که شاهد آثار مستمر بر پژوهش و حرفه و همچنین انتظام‌بخشی باشیم. محققان

قلب یک «مسئله انسانی» است و

مدل قلب باید تمرکز

بر ویژگیها و تواناییهای فردی

را دربرگیرد که برای

شناسایی و بهره‌برداری از

مسائل قلب الزامی است

دیدگاه‌های آینده‌نگر در مورد گسترش مدل‌های تقلب مشورت کنند. همچنین راجع به ملاحظات مربوط به تقلب در سطح فردی، گروهی، سازمانی و اجتماعی به مطلب رامورتی و همکاران (۲۰۱۳) مراجعه کنند.

یک مسئله انسانی

مشارکت فرضیه لوزی تقلب در گنجاندن توانایی آن است که افراد بیشتری را در مدل تقلب دربر می‌گیرد. فرقی نمی‌کند که افراد قالب لوزی تقلب یا مثلث تقلب ارتقایافته (که توجیه‌سازی و توانایی را ترکیب می‌کند) را ترجیح دهند. نکته کلیدی این است که به‌صراحت باید توانایی را هنگام ارزیابی و مدیریت ریسک تقلب در نظر گرفت. تقلب یک «مسئله انسانی» است و مدل تقلب باید تمرکز بر ویژگی‌ها و توانایی‌های فردی را دربرگیرد که برای شناسایی و بهره‌برداری از مسایل تقلب الزامی است. اکنون که فرضیه لوزی تقلب ۲۰ ساله شده است، از محبوبیت این مدل در جامعه حرفه‌ای و دانشگاهی بسیار خوشحال هستیم و امیدواریم که در آینده روی ویژگی توانایی فرد متقلب از سوی تدوین‌کنندگان استاندارد، سیاست‌گذاران و ناظران تمرکز شود. از تلاش برای درک بهتر ویژگی‌های اضافی توانایی و همچنین پژوهش‌های متمرکز بر گسترش مدل‌های تقلب فراتر از افراد مرتکب حمایت می‌کنیم. در این رابطه، مدل رامورتی و همکاران (۲۰۱۳) با موضوع «سیب بد، پیمان بد و محصول بد» به‌یاد ماندنی و آموزنده است. تقلب همچنان یک مشکل اجتماعی بااهمیت است و هنوز چیزهای زیادی برای یادگیری در مورد عواملی که در رفتارهای متقلبانه نقش دارند، وجود دارد.

پانوشتها:

- 1- The Fraud Diamond
- 2- Fraud Triangle

منبع:

• Hermanson, D. **The Fraud Diamond**. www.cpajournal.com June 2024

می‌توانند به موضوعهایی همانند ویژگی اضافی توانایی، آزمایش بیشتر درباره توانایی و ارتباط آن با سایر جنبه‌های لوزی تقلب و استفاده از آن در ساختار اضافی بپردازند. از دیدگاه عملی، امیدواریم که تداوم پوشش در دوره‌های CPE به گسترش بیشتر استفاده از این فرضیه در موسسات حسابداری کمک کند.

از دیدگاه نظارتی، تدوین‌کنندگان کلیدی استانداردهای حسابداری، استانداردهای مربوط به تقلب خود را دوباره بررسی کنند و باید ترغیب شوند تا مولفه توانایی را در ارزیابی‌های حساب‌برسان در زمینه ریسک تقلب مشتری بگنجانند. همانطور که کلینتون فری (”نگاهی از طریق مثلث تقلب: بررسی و فراخوانی برای مسیرهای جدید“ در مجله (Meditari Accountancy Research) ۲۰۱۵، جلد ۲۳، شماره ۲، صفحات ۱۹۶-۱۷۵) اشاره می‌کند، با وجود آن‌که [لوزی تقلب] در هر دو محافل دانشگاهی و حرفه‌ای مورد توجه قرار گرفته است، اما در بیانیه‌های رسمی موسسات حسابداری مختلف در سراسر جهان نفوذ پیدا نکرده است.

استانداردهای حسابداری همچنان بر مثلث تقلب مرسوم تمرکز دارند و پژوهش‌های تقلب به‌خوبی از مدل مرسوم تقلب با تمرکز بیشتر بر توانایی‌ها و شخصیت‌های سه‌گانه تاریک عبور کرده است.

امیدواری دوم برای آینده این است که مدل‌های تقلب فراتر از تمرکز بر فرد مرتکب حرکت کنند و تلاش‌های تقلب گروهی و همچنین آثار فرهنگ و فضای سازمانی، هنجارهای محلی و موارد مشابه را دربرگیرند (دنیس هوپر (Dennis Huber) ”حسابداری قانونی، فرضیه تقلب و انتهای مثلث تقلب“، نشریه پژوهش دانشگاهی نظری، ۲۰۱۷، جلد ۱۲، شماره ۲، صفحات ۲۸-۴۹). تقلب در یک محیط گسترده رخ می‌دهد که بسیار فراتر از اجزای مثلث تقلب یا حتی لوزی تقلب است و از تلاش‌ها برای گسترش دامنه مدل‌های تقلب خود بدون کمرنگ‌کردن معنای آن‌ها حمایت می‌کنیم.

خوانندگان علاقه مند باید با کلینتون فری (۲۰۱۵، بالا)، و همچنین پاملا مورفی و کلینتون فری (”گسترش مثلث تقلب: اقلیم ابزاری و تقلب“، پژوهش رفتاری در حسابداری، ۲۰۱۶، جلد ۲۸، شماره ۱، صفحات ۵۶-۴۱) راجع به نمونه‌هایی از